

مشمولان ماده 989

قانون مدنی ایران

دکتر جعفر نیاکی¹

چکیده

نظر به اینکه نگارنده هنگام ماموریت در لاهه، در بررسی پرونده‌های مربوط به ایرانیان دارای تابعیت مضاعف متوجه شد که ایرانیان مشمول ماده 989 قانون مدنی (مقیم امریکا) تعدادی دعاوی با بیش از 3/5 میلیارد دلار خواسته علیه دولت و موسسات ایرانی مطرح کرده‌اند و هیات عمومی دیوان داوری نیز خود را برای پذیرش دعاوی آنان به شرط غالب بودن و موثر بودن تابعیت امریکایی آنها صالح دانست، مگر آن که خواسته دعاوی از اموالی باشد که طبق بند اول ماده 961 ق. م. «قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده» باشد. اما حقوقدانان مدافع ایران اسناد لازم را جهت جواب‌گویی در اختیار نداشتند و همه ادارات حقوقی ذیربط از وجود قانونی که بیگانگان را از داشتن اموال غیرمنتقول منع نماید اظهار بی‌اطلاعی نمودند. معذراً با استقصای وسیعی که نگارنده به عمل آورد، قانون مورد جستجو به‌دست آمد و مشکل گشا گردید.

واژه‌های کلیدی: تابعیت مضاعف، تابعیت موثر و غالب، ممنوعیت استملاک اموال غیرمنتقول، دیوان داوری ایران و امریکا.

1. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

فصل اول. بررسی ماده 989 قانون مدنی

طبق ماده 989 قانون مدنی:

...هر تبعه‌ی ایرانی^۱ که بدون رعایت^۲ مقررات قانونی^۳ تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن^۴ بوده و تبعه‌ی ایران شناخته می‌شود.^۵

افزون بر این، افراد مذکور طبق همان ماده، از پاره‌ای حقوق سیاسی و اداری مانند اشتغال به وزارت و معاونت وزارت، نمایندگی مجلس شورا، انجمن‌های ایالتی و ولایتی و هرگونه مشاغل دولتی و به تبع آن، از دریافت حقوق بازنشستگی، هم چنین از پاره‌ای حقوق مالی مانند حق استملاک اموال غیرمنقول در ایران محروم هستند. این ماده نشان می‌دهد که مشمولان ماده 989 اگرچه تبعه‌ی ایران شناخته می‌شوند ولی از تمام حقوق قانونی برخوردار نخواهند بود و محدودیت‌هایی دارند.

1-1. تبعه‌ی ایران

قبل از تصویب قانون مدنی، اطلاع صحیحی از ترتیب تشخیص تبعه در دست نیست. در عهدنامه‌ای که بین نادرشاه افشار و سلطان محمود اول (سلطان عثمانی) منعقد گردیده است^۶، اگرچه به «تبعه‌ی ایران» اشاره شده ولی مشخص نگردیده که چه کسی تبعه‌ی ایران است. بدین جهت این موضوع همیشه مورد اختلاف بود:

«دلایل دولت ایران برای اثبات تابعیت ایرانی افراد، اسم و شهرت و محل اقامت

1. «تبعه‌ی ایرانی» در هیچ یک از قوانین ایران، از جمله در قانونی مدنی، تعریف نشده است.

2. خط تاکید در این مقاله الحاقی است مگر خلاف آن تصریح گردد.

3. منظور از مقررات قانونی، مقررات ماده‌ی 988 قانون مدنی است در مورد ترک تابعیت ایران، چنان که بیاید.

4. Null and void; not having legal value; no-existent; non-avenue.

5. بنگرید به ضمیمه شماره 1.

6. مورخ 1159 قمری (جهانگشای نادری، میرزا مهدی استرآبادی منشی نادرشاه، ص 417).

فصل نامه دانشکده حقوق

آنان بود که چون اسم فلان شخص» رستم یا منوچهر است و این اسامی در میان ترک‌های عثمانی مرسوم نیست، یا این که فلان شخص مشهور به شیرازی یا اصفهانی یا میلانچی است، یا در اردبیل اقامت دارد و پدران او از خدمتگزاران دولت ابد مدت بودند پس ایرانی محسوب می‌شود «(علاءالدین مرعشی، تابعیت در ایران، چاپ‌خانه‌ی مجلس، 1316 ش، ص 1. هم چنین گزیده‌ی اسناد ایران و عثمانی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه‌ی ایران، ج 6، ص 483)».

در جهت مخالف نیز استدلال می‌شد که چون امضای خود را به خط روسی کرده است یا این که دارای موی زرد و صورت فوق‌العاده سفید و چشم زاغ است، پس ایرانی نیست» (همان).

قانون مدنی هم «تبعه‌ی ایران» را تعریف نکرده بلکه آن را فقط در ماده‌ی 976 احصا نموده است، این احصا هم محصور نیست زیرا اشخاص دیگری نیز در سایر مواد قانون مدنی از جمله در مواد 978 و 984 تبعه‌ی ایران شمرده شده‌اند. در ماده‌ی 2 قانون گذرنامه و روادید مصوب 15 اسفند 1351 تصریح گردیده است:

«صدور گذرنامه‌ی ایرانی منوط به ارایه‌ی اسنادی است که هویت و تابعیت ایرانی تقاضاکننده را ثابت نماید». (مجموعه قوانین سال 1351، ص 376).

و در تبصره 5 آن ماده ذکر شده است :

«ضوابط تشخیص ایرانی بودن این قبیل اشخاص به موجب آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون تعیین خواهد شد» (همان).

ولی این آیین‌نامه‌ی اجرایی، بنا بر نامه‌ی شماره‌ی 21 - 15 - 87 الف اداره کل گذرنامه‌ی شهربانی، خطاب به دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، تاکنون تهیه نشده است.¹

نتیجتاً در حال حاضر تعریف قانونی برای «تبعه‌ی ایران» وجود ندارد. هرگاه گفته شود که داشتن شناسنامه‌ی ایرانی دلالت بر ایرانی بودن صاحب آن دارد، جواب

1. نامه‌ها و اسناد و مدارک اداری که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌است، از طریق مجاز تحصیل گردیده‌است.

این است که اگر شناسنامه‌ی ایرانی در نظر قانونگذار برای تشخیص تبعه‌ی ایران کافی می‌بود، دیگر نیازی نبود که ضوابط تشخیص آن، در آیین‌نامه‌ی اجرایی تعیین شود. به هر حال، تا تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی، اداره‌ی کل شهربانی به همان شناسنامه قناعت می‌کند به خصوص که «شناسه‌ی ملی» نیز آن را «سفارشی دو قبضه» نموده است.

1-2. عدم رعایت مقررات قانونی

در ماده‌ی 989 تصریحی وجود ندارد که منظور «از عدم رعایت مقررات قانونی»، مقررات قانونی کدام کشور است: مقررات قانونی کشور ایران یا مقررات قانونی کشوری که تبعه‌ی ایران تابعیت آن را تحصیل کرده است؟

بعضی بر این نظر هستند که سیاق عبارت ماده‌ی 989 با توجه به دستور زبان فارسی حالت اضافه (مضاف و مضاف‌الیه) دارد و مفهوم آن، این است که هرگاه تبعه‌ی ایرانی، تابعیت خارجی را بدون رعایت مقررات قانونی آن کشور خارجی تحصیل کرده باشد، دولت ایران آن تابعیت را به رسمیت نمی‌شناسد و کان لم یکن می‌شمارد. (حقوق بین‌الملل خصوصی، دکتر محمود سلجوقی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ج.ا.ا.، طهران، 1370 ش ص 194)

این استنباط قابل تأمل است زیرا تشخیص رعایت یا عدم رعایت مقررات قانونی کشور خارجی، معمولاً با همان کشور است که پس از احراز تخلف، تصمیم می‌گیرد و تابعیت اعطایی را ابطال و کان لم یکن می‌نماید. کما آن که در قانون تابعیت امریکا ذکر شده است که هرگاه متقاضی کسب تابعیت امریکا، هنگام ادای سوگند، سوگند دروغ ادا نماید و تابعیت امریکا را با سوگند دروغ به دست آورد به حکم دادگاه، تابعیت اعطی

شده به او ابطال می‌گردد. (USCS, section.1451, U.S.Code Service 8 هم چنین به عنوان نمونه، رجوع شود به رای دادگاه امریکا در دعوی ایالات متحده علیه بنفشه در مورد ابطال تابعیت اعطایی به او: A.9 EAL. 616 F 2d M43 نقل شده در:

(IMMIGRATION AND NATIONALITY ACT., P. 329)

ماده‌ی 989 قانون مدنی نیز در همین راستا است یعنی تابعیتی را که تبعه ایرانی با تخلف از مقررات قانونی ایران تحصیل کرده است، کان لم یکن می‌داند منظور

فصل نامه دانشکده حقوق

قانونگذار از «مقررات قانونی»، مقررات قانونی ترک تابعیت ایران است که در ماده‌ی 988 احصا

شده است: موید این نظر نص صریح قانون قبلی تابعیت ایران مصوب شانزدهم شهریور 1308¹ می‌باشد که در ماده چهاردهم آن، کلمه «ایران» به نحو اشاره به دنبال «عدم رعایت مقررات قانونی» ذکر شده بود:

«ماده چهاردهم - هر تبعه‌ی ایران که بدون رعایت مقررات فوق²، تابعیت خارجی تحصیل کند، تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه‌ی ایران شناخته می‌شود» (مجموعه قوانین مصوب دوره هفتم قانونگذاری، ماخذ ذکر شده، ص 201).

بنابراین تردیدناپذیر است که منظور قانونگذار ایران از عبارت «مقررات قانونی» که در ماده‌ی 989 قانون مدنی ذکر گردیده، مقررات قانونی ایران است، نه مقررات قانونی کشور خارجی. نتیجه آن که اتباع ایران هرگاه مایل به تحصیل تابعیت کشور دیگری باشند، باید ابتدا تابعیت ایرانی خود را ترک کنند، و بعد از آن تابعیت کشور دیگر را تحصیل نمایند.

اما، این اشکال پیش می‌آید که فرد مذکور بعد از ترک تابعیت ایران، دیگر تبعه‌ی ایران محسوب نمی‌شود³. در این صورت، وی در فاصله زمانی از لحظه ترک تابعیت ایران تا لحظه تحصیل تابعیت خارجی، که مستلزم طی تشریفات و وقت‌گیر است، فاقد تابعیت یعنی «بی‌وطن» (بی‌وطن APATRIDE یا APARTIDE اشتباه نشود). به‌خصوص که طبق ماده‌ی 988 قانون مدنی، با تهدید اخراج از ایران روبرو است: «ماده‌ی 988⁴ - کسانی که تابعیت ایران را ترک می‌نمایند باید ظرف سه ماه

1. این قانون در مجموعه‌ی قوانین سالانه وزارت دادگستری (سال 1308) چاپ نشده است، ولی مجلس شورای ملی این قانون را در «مجموعه قوانین موضوعه مصوب دوره هفتم قانون‌گذاری (14 مهر 1307 تا 14 آبان 1309) چاپ کرده است، ص 197 تا 201.

2. اشاره است به ماده سیزدهم همان قانون راجع به شرایط ترک تابعیت ایران (ص 200 و 201)

3. برای کسانی که ترک تابعیت می‌کنند، وزارت امور خارجه سند خروج از تابعیت صادر می‌نماید (مطابق نمونه ضمیمه 2).

4. بنگرید به ضمیمه شماره 1

با امکان تمدید تا یک سال) از ایران خارج شوند^۱ چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند، مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان^۲ صادر خواهند کرد.

برای رفع این اشکال، وزارت امور خارجه‌ی ایران، در تاریخ دهم فروردین 1349 طی بخشنامه‌ی شماره‌ی 14/48 مقرر داشته است:

متقاضی ترک تابعیت ایران باید پذیرش دولتی که می‌خواهد تابعیت آن دولت را تحصیل نماید^۳، جزء سایر مدارک لازم ارائه نماید» (مجموعه قوانین و مقررات وزارت امور خارجه، سال 1353 ش، صفحه 500).

قانون اساسی ایران نیز، در اصل چهل و یکم و اصل چهل و دوم به این امر توجه نموده است.

اصل چهل و یکم: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید.

اصل چهل و دوم: «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.^۴»

قبل از صدور این بخشنامه، در ماده‌ی اول قانون متمم تابعیت، مصوب 29 مهرماه 1309، مقرر شده بود:

5. نیروهای انتظامی عهده‌دار کنترل اجرای تعهد این افراد برای خروج از کشور می‌باشند، ولی برای فروش اموال آنان دستورالعمل یا مکانیسمی پیش‌بینی نشده است، فقط وزارت امور خارجه هنگام صدور سند خروج از تابعیت (مطابق نمونه ضمیمه شماره 2)، نسخه‌ای از آن را برای اطلاع سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌فرستد و آن سازمان، مندرجات سند مزبور را به کلیه‌ی ادارات ثبت اسنادها و نهایتاً به دفاتر اسناد رسمی سراسر کشور بخشنامه می‌نماید.

1. سابقه‌ای از موارد تخلف که مقامات صالحه به فروش اموال و اخراج آنها صادر نموده باشند وجود ندارد.
2. طبق فصل هفدهم قرارداد ایران و آلمان مورخ 1873: «دولت آلمان متعهد شده است که هیچ یک از تبعه دولت ایران را به رعیتی خود قبول نکند مگر این که ابتدا رضایت مخصوص دولت ایران را تحصیل نماید کذلک دولت ایران ...، کاپیتولاسیون عرضه‌چی‌ها، علی‌اصغر شریف، طهران، 1354، ص 184
3. ایراداتی بر این دو اصل قانون اساسی هم از نظر نحوه تحریر و هم از نظر محتوا وارد است که جای بحث آن، این جا نیست.

فصل نامه دانشکده حقوق

«اشخاصی که مشمول یکی از فقرات 4 و 5 ماده اول از قانون تابعیت مصوب 16 شهریور 1308¹ هستند... می‌توانند تابعیت پدر خود را اختیار کنند مشروط بر این که ... اظهاریه‌ی کتبی تسلیم وزارت امور خارجه نمایند به انضمام تصدیق دولت متبوع پدرشان مشعر به این که آن‌ها را تبعه خود می‌شناسد» (قانون متمم تابعیت در مجموعه قوانین سال 1309 وجود دارد، ص 90).

مفاد همین ماده در ماده 984 قانون مدنی و در اصلاحیه‌ی 27 بهمن 1348 ماده‌ی 977 همان قانون نیز، دیده می‌شود. دولت‌های دیگر هم برای رفع اشکال و جلوگیری از به وجود آمدن خلای که منجر به «بی‌وطنی» متقاضیان تحصیل تابعیت می‌شود، سندی به نام «موافقت‌نامه اصولی» صادر می‌نمایند، از جمله دولت آلمان به متقاضی تحصیل تابعیت آن کشور، پس از انجام تشریفات قانونی و قبول تقاضای او، سندی به نام «موافقت اصولی» می‌دهد و ضمن آن گواهی می‌کند که به متقاضی مذکور به محض ترک تابعیت قبلی خود، تابعیت آلمان را اعطا خواهد نمود (بنگرید به نمونه‌ای از موافقت اصولی دولت آلمان، ضمیمه شماره 3).

3-1. کان لم یکن شناختن تابعیت خارجی

کان لم یکن شناختن تابعیت خارجی این قبیل افراد، در ایران سابقه‌ی تاریخی دارد از جمله:

3-1-1. در تاریخ 24 شوال 1271 دولت ایران طی نامه‌ای به سفیر انگلیس در طهران² در مورد حمایت دولت انگلیس از فرهادمیرزا، عموی ناصرالدین شاه اعتراض

4. فقره 4: کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده است، به وجود آمده‌اند...
فقره 5: کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل یک سال در ایران سکونت domicile داشته باشند.

1. آنان که طهران را با «ت» (تهران) می‌نویسند شاید به این گمان باشد که قبل از اسلام «تهران» نوشته می‌شد و بعداً «طهران» تعریب گردید. اما مطابق تحقیق مجتبی مینوی، در رسم‌الخط ایرانیان حرفی نزدیک به «ط» وجود داشته است. سیدمحمدعلی جمالزاده می‌نویسد: از چندی به این طرف عده‌ای از هم‌وطنان ما به جای «طهران» که قرن‌ها معمول و مرسوم قاطبه ایرانیان از عوام و خواص بود، «تهران» را با تاء نقطه‌دار می‌نویسند، به طوری که امروز روی هم رفته این کلمه در مملکت ما به دو شکل نوشته می‌شود و تا قاعده کلی برای این کلمه و این قبیل کلمات، به طور رسمی وضع

کرد و تذکر داد:

«آن جناب بدون ملاحظه معایب، تذکره‌ی حمایت به دست فرهاد میرزا دادند و حال آن که آن جناب هیچ حقی نداشته که چنین کاغذی را در این مملکت به دست او بدهند چنان چه اولیای ایران آن تذکره را کان لم یکن انگاشته‌اند» (حقوق‌بگیران انگلیس، اسماعیل رائین، چاپ ششم، ط، 1356 ش، ص 364 به نقل از اسناد رسمی وزارت امور خارجه، مجموعه‌ی 6059).

1-3-2. تلگرام مورخ 18 رجب 1298 سفارت ایران در استانبول (عثمانی) به وزارت امور خارجه‌ی ایران در طهران حاکی است که:

«[این شخص] باید قصد تبدیل تبعیت استدعا و ترک علاقه نموده باشد... والا ایرانی است» (گزیده اسناد سیاسی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه‌ی ایران، ص 364. هم‌چنین: علاءالدین مرعشی، همان، ص 3).

1-3-3. در بند 8 قانون نامه‌ی تابعیت مورخ 1311 قمری آمده است:

«از تبعه‌ی ایران کسی که در ممالک خارجه مایل تابعیت یک دولتی باشد باید... از خدمت نظام فرار ننموده باشد و... والا تبدیل تابعیت لو کان لم یکن خواهد بود... معامله‌ی تبعه‌ی ایرانیه در حق او به عمل خواهد آمد» (قانون‌نامه‌ی تابعیت 1311 قمری، ط، دارالطباعة‌ی فاروس، سنه 1326 قمری، [بیچنیل: سال میمون]، ص 13).

1-3-4. طبق ماده‌ی چهاردهم قانون تابعیت مصوب 16 شهریور ماه 1308:

نشود، نگارنده (جمالزاده)، پس از مبلغی فکر و اندیشه، بر آن شدم که به همان صورت قدیم یعنی «طهران» بنویسم و چشم بسته تابع عملی نگردم که بر (اغتشاش) ادبی ما در زمینه املا می‌افزاید، «فهرست موضوعی انتشارات دانشگاه تهران» (همان‌طور که در متن بوده همان‌طور نوشتم)، سیدمحمدعلی جمالزاده، مجله یغما، سال هفدهم، شماره‌ی اول، شماره‌ی مسلسل 189، فروردین 1343، ص 46، هم‌چنین تاریخ طهران، عبدالعزیز جواهر کلام، ط، 1311 ش، ص 3 تا 4 و نیز کتاب مرآت البلدان، اعتمادالسلطنه (محمدحسن مراغه‌ای)، ط، چاپ سنگی 1294 قمری، ص 509 و 510، نیز بیست مقاله علامه محمد قزوینی، جلد اول)

این نکته نیز قابل یادآوری است که رسم‌الخط ما عربی است نه فارسی، حتی آن چند حرفی را هم که مخصوص فارسی می‌پنداریم از رسم‌الخط عربی گرفته‌ایم: در زیر حروف «ب» و «ج» دو نقطه اضافه کرده‌ایم شد «پ» و «چ»، در بالای حرف «ز» دو نقطه گذاشته‌ایم شد «ژ» و یک سرکش به «ک» اضافه کرده‌ایم شد «گ».

فصل نامه دانشکده حقوق

«هر تبعه ایران که بدون رعایت مقررات فوق^۱ (مقررات ترک تابعیت) تابعیت خارجی تحصیل کند تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه‌ی ایران شناخته می‌شود» (مجموعه‌ی قوانین موضوعه مصوب دوره‌ی هفتم قانونگذاری، همان، ص 201).

متن ماده‌ی 989 قانون مدنی نیز مشابه همین ماده‌ی چهاردهم قانون تابعیت مصوب 16 شهریور 1308 است با این تفاوت که به جای «بدون رعایت مقررات فوق»، در ماده‌ی 989 قانون مدنی نوشته شده است: «بدون رعایت مقررات قانونی».

اما، به کار بردن اصطلاح «کان لم یکن» در ماده‌ی 989 قانون مدنی و قوانین قبل از آن، این ایراد را دارد که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی نمی‌تواند اسناد و احکام قوانین کشوری دیگر را که آن کشور بر اساس حاکمیت خود صادر کرده است، «کان لم یکن» نماید کما آن که دیوان دادگستری بین‌المللی (لاسه) در قضیه‌ی نوته بوهم (لیختن‌اشتاین علیه گواتمالا)^۲ رای داده است که:

«گواتمالا می‌تواند تابعیت اعطایی لیختن‌اشتاین به نوته بوهم را معتبر نشناسد.» (رای مورخ 16 آوریل 1955 دیوان بین‌المللی دادگستری (لاسه) در قضیه‌ی نوته بوهم (دعوای لیختن‌اشتاین به حمایت دیپلماتیک از نوته بوهم که تابعیت آن شاهزاده‌نشین را تحصیل کرده بود) علیه گواتمالا، گزاره آرای دیوان، سال 1955، [R.C.I.J. Report, 1955]. صص 23 و 26).

در این رای دیوان دادگستری بین‌المللی تابعیت اعطایی لیختن‌اشتاین به نوته بوهم را کان لم یکن نشمرده بلکه به گواتمالا حق داده است که آن را علیه خود معتبر نداند.

دیوان کشور فرانسه نیز در قضیه‌ی پرنسس دو بوفرمون (Princesse Bathez de Bauffremont's Case, Recueil des T.A.M., T.6, P. 80.) که تابعیت بلژیک را تحصیل نموده و براساس آن، حکمی از دادگاه بلژیک به دست آورده که مغایر با قوانین فرانسه بود، فقط حکم مذکور را که با تابعیت بلژیک بدست آورده بود، در فرانسه معتبر شناخته است بدون آنکه تابعیت اعطایی بلژیک را کان لم یکن

1. اشاره است به ماده سیزدهم همان قانون که راجع است به شرایط ترک تابعیت ایران.
1. Notebohm آلمانی الاصل بود، تلفظ این اسم در زبان آلمانی «نوته بوهم» است نه «نوته باهم» که در ایران ورد زبان است.

اعلام
کند، یعنی فقط آثار آن تغییر تابعیت (حکم صادره در بلژیک) را معتبر نشناخته ولی تغییر تابعیت را به حال خود باقی گذاشته و آن را کان لم یکن تلقی نکرده است زیرا تحصیل تابعیت هر کشور، مربوط به حاکمیت همان کشور است و دادگاه کشورهای دیگر حق ندارند دخالتی در آن بنمایند (Civil, 18 Mars 1878, S, 1878, 1, 193).¹

فصل دوم. اعتبار بین‌المللی ماده‌ی 989 قانون مدنی

حق تغییر تابعیت در ماده‌ی 988 قانون مدنی پیش بینی گردیده و به اتباع ایران امکان داده است که هر زمان مایل باشند، می‌توانند با رعایت مقررات این ماده²، تابعیت ایران را ترک کنند و تابعیت خارجی تحصیل نمایند. اما اگر بدون ترک تابعیت ایران، تابعیت خارجی تحصیل کنند، در این صورت است که مشمول ماده‌ی 989 خواهند شد.

ماده‌ی 989 قانون مدنی ایران اعتبار جهانی دارد و با تصمیمات قضایی بین‌المللی، نظر علمای حقوق بین‌الملل، و رویه‌ی دولت‌ها (پراتیک بین‌المللی) نه تنها مغایرت ندارد، بلکه مطابقت دارد:

2-1. تصمیمات قضایی بین‌المللی

در تصمیمات قضایی بین‌المللی این حق برای دولت‌ها شناخته شده است که خروج اتباع خود را از تابعیت، موکول به شرایطی نمایند. در این رابطه، می‌توان رای دیوان داوری دعاوی ایالات متحده‌ی امریکا - مصر را در قضیه‌ی «سالم» ذکر نمود، آن‌جا که می‌گوید:

1. نقل شده در صص 173 و 176 جلد دوم کتاب ارزنده حقوق بین‌الملل خصوصی، 1383، تالیف دکتر بهشید ارفع‌نیا استاد برجسته دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی بعدی). دوره‌ی سه جلدی این تالیف، پرارزش‌ترین کتابی است که در رشته حقوق بین‌الملل خصوصی نوشته شده و نشانگر دانش والا و استقصای وسیع این استاد عالی مقام است: توگر و بردی اگر جفت و اگر طاق آید.
2. بنگرید به ضمیمه شماره 1.

فصل نامه دانشکده حقوق

«قانون ترکیه¹ که تحصیل تابعیت بیگانه را به صدور اجازه‌ی دولت موکول می‌نماید، نباید از نقطه نظر دولت امریکا مورد جرح قرار گیرد.»

Recueil des de'cisions des Tribunaux Arbitrals Mixte (T.A.M), 3 em. anne', 1924,P.970

نمونه دیگر آرای بین‌المللی، قضیه‌ی گریگور است که در دیوان مختلط یونان، بلغارستان مورد رسیدگی قرار گرفت و دیوان چنین رای داد:

«مسلم است که شرط اساسی برای آن که کسب تابعیتی که در خارج انجام گرفته است، در داخل کشور اصلی معتبر شناخته شود این است که کسب تابعیت نه تنها با قانون کشور اعطاکننده، بلکه با قوانین کشور اصلی منطبق باشد. مسلم است که این اجازه از طرف وزارت امورخارجه‌ی یونان به متقاضی [گریگور] داده نشده و این واقعیت که وی تابعیت بلغارستان را بدون اجازه‌ی دولت کشور اصلی [یونان] تحصیل کرده است، دیوان داوری را مجاز می‌سازد تا صحیحاً نتیجه بگیرد که آقای گریگور از نظر قانون یونان، هرگز تابعیت خود را از دست نداده است» (U.N Report of ARBITRATION AWARDS,) (VOL. 3, P. 1186.

دادگاه رسیدگی به دعاوی ایران - ایالات متحده نیز در دعاوی لام، الف - دال، علیه دولت ایران، سازگاری قوانین تابعیت ایران را با قواعد و موازین بین‌المللی بیان داشته و با ذکر مواد مورد نظر دادگاه، از جمله مواد 988 و 989، بر آن مهر تایید زده است. (رای ش... ماره‌ی 237-2 - 204، مورخ 27 نوامبر 1985، ص 7، بند 20 IRAN - U.S. C.T.R., P.354) بدین معنی که طبق ماده 989 ق.م.، هر ایرانی برای تحصیل تابعیت خارجی، باید قبلاً تابعیت ایرانی خود را با رعایت ماده 988، ترک نموده باشد.

3. اشاره است به ماده‌ی 5 قانون ترکیه مورخ 1285 قمری، مشعر بر این که «تبعه عثمانی اگر به اذن و اجازه‌ی دولت خود، خود را به خارجه بسته باشد، او را تبعه خارجه محسوب می‌نمایند ولی اگر به دولت خود اظهار نکرده باشد، او را تبعه عثمانی محسوب می‌دارند و به خواهش دولت مزبور با او رفتار خواهند نمود و هیچ رعیتی از تابعیت خود بدون اذن دولت نمی‌تواند تبعه خارجه شود» (گزیده اسناد سیاسی) ایران و عثمانی، همان، ص 207، گزارش اسلامیه، 27 فوریه مطابق 26 ذیقعدة، بدون ذکر سال، کارتن 7 پرونده 3/ت، سند شماره 445، آرشیو قدیم وزارت امور خارجه‌ی ایران).

در پرسش‌نامه‌ی تقاضای تابعیت امریکا هم، متقاضی صریحاً اعلام می‌کند:
«با حسن‌نیت قصد دارم که شهروند ایالات متحده شوم و بدون قید و شرط
سوگند ترک تابعیتی را ادا می‌کنم که در قانون مهاجرت و تابعیت تجویز شده
است»
(8 U.S. Code Service (USCS), Section 1148).

و نیز پس از تصویب تقاضا، هنگام کسب تابعیت، در دادگاه امریکا، در برابر پرچم آن
کشور به پا می‌خیزد و دست بر سینه نهاده، و سوگند زیر را ادا می‌کند:
«من به قید سوگند اعلام می‌دارم که به طور مطلق و کامل تمامی تابعیت
و وفاداری خود را به هر امیر و پادشاه و دولت و کشوری که تاکنون
تبعه یا شهروند آن بوده‌ام، ترک می‌کنم» [BIDEM (opus cite)]¹

در مورد این سوگند باید یادآوری شود که اگر ادا کننده سوگند هنگام ادای آن در
دادگاه امریکا، نه تابعیت اصلی خود را قبلاً ترک نموده، و نه قصد ترک آن را داشته
باشد، در این صورت، تابعیتی را که با ادای سوگند دروغ به دست آورده‌است، هم از نظر
قواعد بین‌المللی

(I.SEEIDEL – HOHENELDERN: “L’ordre publique et la fraude a la loi”, dans Melange MAURY; also: G perrin: “La valadite de la nationalite”, dans Melange GUGENHEIM, Institut des Hautes Etudes Internationales, Geneve, 1968, Also: J.H.W.verzijl, International in Historical Perspective, part5, 1972)

و هم از نظر قواعد امریکا (8 united states Code Service (USCS), sec. 1451). فاقد اعتبار است و دست کم علیه کشور قبلی او و کشورهای دیگر قابل استناد و معتبر
نیست.

علت این که متقاضیان تابعیت امریکا، قصد ترک تابعیت اصلی خود را ندارند،
گذشته از جهات دیگر، این است که می‌خواهند هر جا نفع آن‌ها ایجاب کند خود را
تبعه‌ی کشور قبلی معرفی کنند و جای دیگر تبعه‌ی امریکا؛ و بدین طریق یکی از دو
تابعیت خود را صرفاً به لحاظ منفعت شخصی عرضه کنند². تصمیمات بین‌المللی³

1. متن انگلیسی این سوگندنامه را در ضمیمه شماره 4 ملاحظه نمایید.

2. این طرز عمل، یکی از طرقی را که بدان وسیله تابعیت مضاعف مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، اثبات می‌نماید.

3. رای صادره در قضیه خانم مونرتفور: Mrs.BATHEZ de MONRTFORT S CASE,Recuildes

فصل نامه دانشکده حقوق

هرگز چنین اجازه‌ای را به آنان نمی‌دهد و تاکید می‌کند که تابعیت افراد به میل آن‌ها نیست که بر حسب منفعت آنی خود برگزینند .

2-2. نظرات علمای حقوق بین‌الملل (دکترین)

پروفسور نیکلا باریاکوف که یکی از صاحب‌نظران عالی مقام در زمینه‌ی مباحث تابعیت در حقوق بین‌الملل است، می‌گوید:

«کشورها حق دارند شرایط کسب تابعیت توسط شهروندان خود را تعیین کنند. چنانچه فردی بدون انجام آن شرایط و به بیان دقیق‌تر بدون کسب اجازه‌ی پیش‌بینی شده در قانون کشور اصلی، تابعیت خارجی کسب کند، آن کشور حق دارد نتایج آن تابعیت را به رسمیت نشناسد و آن شهروند را به‌عنوان یکی از شهروندان خود تلقی نماید»

(Nicola Bar-Yakof, Dual nationalite, london 1961, P.143.)

ماده‌ی 989 قانون مدنی ایران نیز که تابعیت خارجی این قبیل افراد را به رسمیت نمی‌شناسد و کان لم یکن تلقی می‌کند، منعکس‌کننده‌ی همین نظر پروفسور باریاکوف و منطبق با آن است.

انستیتو حقوق بین‌الملل که متشکل از برجسته‌ترین علمای جهان در رشته‌ی حقوق بین‌الملل است، در اجلاس‌یه‌ی سال 1965 در ورشو چنین نظر داده است که:

«دعای دارندگان تابعیت مضاعف علیه کشورهای متبوع خویش غیرقابل پذیرش و مردود است» Annuaire de l Institut de droit international, (1965.).

هم چنین است نوشته پروفسور ژول بادوان (Professeur Jule Basdevant)¹ استاد

T.A.M. ofus T ,1962. P.80.

1. در اوایل دهه 1930 بسیاری از دانشجویان اعزامی به فرانسه که در رشته‌ی حقوق تحصیل می‌کردند از جمله: سیدعلی شایگان، موسی عمید، عبدالله معظمی، کریم سنجابی، محمدحسن علی‌آبادی، محمدحسین علی‌آبادی، تقی نصر، محسن نصر، حسین آزموده، علی‌اصغر پورهمایون، محسن عزیزی، حسن ستوده، محمدعلی حکمت، عبدالحمید اعظم زنگنه، مصطفی مصباح‌زاده، محمد نصیری و قاسم‌زاده، دانشجوی کلاس درس پروفسور بادوان بودند. وی در اواخر دهه 1940 و اوایل دهه 1950 از طرف سازمان ملل متحد به سمت قاضی دیوان دادگستری بین‌المللی (لاسه)

ممتاز دانشکده‌ی حقوق دانشگاه پاریس، قاضی و رییس اسبق دیوان بین‌المللی دادگستری در موضوع «تعارض تابعیت» که در آن قضیه‌ی میلیانی¹ را مورد بحث قرار داده است.

3-2. رویه‌ی دولت‌ها (پراتیک بین‌المللی)

نظر دکترین، بازتاب رویه‌ی دولت‌ها نیز هست و کافی است ذکر شود که کنسولگری ایالات متحده آمریکا در استانبول به وزارت خارجه‌ی آمریکا در واشنگتن اطلاع داد که: «نمی‌تواند هیچ کمکی به آن عده از اتباع جدید التابعت آمریکا بکند که دارای تابعیت ترکیه هستند و برای کسب تابعیت جدید (تابعیت آمریکا) هیچ اجازه‌ای از دولت ترکیه نگرفته‌اند»

(HACK WORTH, DIGEST OF INTERNATIONAL LAW, Vol 3, 1945. P. 368

گذشته از این معاون وزارت امور خارجه‌ی آمریکا در رساله مربوط به جورج موی اورن (Gorge Moy Orne) به همین طریق عمل نمود و در نامه‌ی او به جانسن سفیر آن کشور تذکر داد که:

«آقای اورن باید این موضوع را درک کند که تمایل ظاهری وی مبنی بر این که منحصرأ تبعه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا شود، نمی‌تواند واقعیت و مشکلات حقوقی ناشی از تابعیت مضاعف او را تغییر دهد» (HACK WORTH, opus cite, p.368.

انتخاب شد و در سال 1952 که دعوای انگلیس علیه ایران (قضیه نفت) مطرح شد، ریاست دیوان را به عهده داشت، اما اندکی بعد دوره ریاست او به پایان رسید و به جای او پروفسور آرنولد ماک نایر (Arnold Mac Nair) استاد و رییس دانشگاه اکسفورد به ریاست دیوان برگزیده شد. وی همان کسی است که در قضیه‌ی نفت، به‌رغم نظر دولت انگلستان، رای به عدم صلاحیت دیوان داد. پس از پایان قرائت رای، تنی چند از دانشجویان ایرانی که در دیوان کارآموزی می‌کردند، به نزد او رفتند و به خاطر رای‌ی که در قضیه نفت داده بود از او تشکر نمودند ولی پروفسور ماک نایر جواب داد این تشکر را از ملت انگلیس بکنید که مرا از همان سال‌های درس در دبستان ای‌تون چنین تربیت کرد. بعد از شنیدن این جواب در ذهن من خطور کرد که اگر یک استاد ایرانی (مانند همین دکتر سنجابی قاضی الحاقی ایران)، رای مخالف نظر دولت خود می‌داد، به او چه می‌رسید؟ و آیا روزنامه‌های ایران از تهمت و افترا به هفت پشت او خودداری می‌کردند؟ شیر را بچه همی ماند به او تو به پیغمبر چه می‌مانی بگو. من وقتی که به خانه آمدم بی‌محابا گریستم، نه بر مرده، بلکه بر زنده.

1. Miliani, s Case in professeur Basdevant: "Conflit de nationalite", R evue de droit prive et de droit penal international. vol. 5, pp. 56 et 57.

فصل نامه دانشکده حقوق

نمونه‌ای دیگر از عملکرد دولت ایالات متحده آمریکا را دانشمند معروف پروفیسور ای.دی. بورخارد مورد اشاره قرار داده است. این حقوقدان برجسته‌ی آمریکایی در کتاب خود می‌نویسد:

«وزارت خارجه‌ی آمریکا در شمول و تسری حمایت به اتباع آمریکایی، ممکن است رفتار قابل سرزنش آنان را در نفی یا اختفای تابعیت خود مطمح نظر قرار دهد. مثلاً غالباً شاهدیم که دارندگان تابعیت اکتسابی آمریکا، به کشور اصلی خود مراجعت کرده و در آن جا با مخفی نگهداشتن تابعیت مکتسبه‌ی خود، خود را به عنوان اتباع کشور وطن اصلی خود وانمود کرده‌اند، تا این که شرایطی پیش آمده که منافع ایشان مداخله‌ی کشوری را که تابعیت آن را کسب کرده‌اند، ایجاب نماید. آقای فیش [وزیر خارجه وقت] و سایر وزاری خارجه بر این اعتقادند که چنین اقدامی در مورد اختفای تابعیت، تعهدات دولت آمریکا را از حمایت از متخلفان به عنوان اتباع آمریکا، زایل می‌سازد.

(BORCHARD, E.D.: CITIZEN ABROAD OR THE LAW OF INTERNATIONAL CLAIM, 1915, PP 720 – 721)

در ارتباط با موضوع حمایت [دیپلماتیک] که در نامه‌ی فوق مورد اشاره قرار گرفته است، باید توجه داشت که طبق قاعده حقوق بین‌الملل، «صلاحیت ملی مقدم بر صلاحیت کنسولی است» بدین معنی که مثلاً کنسول کانادا در ایران نمی‌تواند در خاک ایران از تبعه‌ی دولت کانادا که ایران هم او را تبعه‌ی خود می‌شمارد حمایت دیپلماتیک نماید (مانند قضیه‌ی شادروان زهرا کاظمی)، و برعکس: کنسول ایران در کانادا نمی‌تواند در خاک کانادا از تبعه‌ی ایران که دولت کانادا هم او را تبعه‌ی خود می‌شناسد، حمایت دیپلماتیک نماید. این همان مطلبی است که در صفحه 5 گذرنامه‌ی آمریکایی نیز به شرح زیر به آمریکایی‌های دارای تابعیت مضاعف به صورت مبهم تذکر داده شده است:

کسی که هم زمان شهروندی بیش از یک کشور را دارد، شهروند مضاعف شمرده می‌شود. شهروند مضاعف می‌تواند در طول مدتی که در قلمرو صلاحیت قضایی کشور دیگری به سر می‌برد که او را تبعه خود محسوب می‌نماید، مشمول قوانین آن کشور از جمله مشمول قوانین نظام وظیفه باشد و تا زمانی که در قلمرو آن کشور به سر می‌برد، تابعیت مضاعف او می‌تواند

موجب تضعیف^۱ کوشش کنسول امریکا برای حمایت از او باشد.

در باره‌ی ایرانی‌های دارای تابعیت مضاعف (ایرانی - امریکایی)، این تذکر ضروری است که آنان، کسانی هستند که با حفظ تابعیت ایران (بدون ترک قبلی آن) تابعیت امریکا، را کسب کرده‌اند والا اگر بعد از کسب تابعیت امریکا، تابعیت دیگری تحصیل کنند یا خدمت وظیفه در کشور دیگری انجام دهند، یا در انتخابات کشور دیگری شرکت کنند و رای بدهند، یا به استخدام رسمی کشور دیگری در آیند [ممکن است] تابعیت امریکایی خود را از دست بدهند.

فصل سوم. تابعیت مضاعف

دولت ایران براساس قوانین و مقررات، تابعیت مضاعف را مطلقاً به رسمیت نمی‌شناسد، از جمله:

3-1. در جلسه 27 مجلس سنا مورخ 23 آذر 1336، مشفق کاظمی معاون وقت وزارت امور خارجه صریحاً گفته است:

«یک کسانی هستند که یا می‌روند به خارج یا فعلاً مقیم یک مملکتی هستند و از تابعیت ما عملاً خارج نمی‌شوند ملاحظه بفرمائید ما قبول نداریم همان را که دو بل ناسیونالیت [تابعیت مضاعف] می‌گویند. از نظر قانون، ما آن‌ها را خارجی نمی‌شناسیم هر وقت آن شخص بخواهد به ایران بیاید باید با گذرنامه‌ی ایرانی بیاید» (صورت مذاکرات جلسه 23 آذر 1336 مجلس سنا در روزنامه رسمی کشور).

3-2. بند 2 ماده‌ی دوم قانون راجع به ورود اتباع خارجه به ایران، مصوب 19 اردیبهشت 1310 می‌گوید:

«ماموران ایران در خارجه باید از دادن ویزا به اشخاصی که مطابق قوانین ایران تبعه ایران محسوب می‌شوند و بخواهند با اوراق تابعیت غیر ایرانی به ایران مسافرت کنند، خود داری نمایند» (مجموعه قوانین سال 1310 وزارت دادگستری، بخش قوانین).

1. این کلمه به زبان دیپلماتیک به کار رفته است و باید چنین برداشت شود که نمی‌تواند حمایت بنماید.

فصل نامه دانشکده حقوق

- 3-3. در ماده 989 ق.م. تصریح شده که تابعیت خارجی مضمولان این ماده کان لم یکن بوده و تبعه‌ی ایران شناخته می‌شوند.
- 3-4. در بند 3 بخشنامه شماره 14/1237 وزارت امور خارجه مورخ 13 خرداد 1347 تصریح شده است که «عدم رعایت مقررات قانونی، به‌ویژه داشتن تابعیت مضاعف و دو گذرنامه... به‌هیچ‌وجه مجوز و موردی ندارد» (مجموعه‌ی قوانین و مقررات مربوط به وزارت امور خارجه، همان، صص 489 و 490).
- 3-5. دادگاه دعوای ایران - ایالات متحده‌ی امریکا نیز در دعوای خانم لیلا . ا. د. علیه دولت ایران، تاکید نموده است: «این نکته باید یادآوری شود که قوانین و مقررات ایران تابعیت مضاعف اتباع ایرانی را به رسمیت نمی‌شناسد»
- (9 IRAN - U.S.C.T.R., opus cite, AWARD no.: 204 - 237 - 2, November 27, 1985, 350
- 3-6. از جمله اسنادی که به دادگاه مزبور تسلیم شده و نشان می‌دهد دولت ایران تابعیت مضاعف اتباع خود را به رسمیت نمی‌شناسد شهادت‌نامه‌ای است که خانم پ - س. نوشته و با قید سوگند امضا کرده و به لوایح خود ضمیمه نموده است. وی در این شهادت‌نامه نوشته است:
- «به خانواده‌ام به‌وسیله‌ی مقامات کنسولگری امریکا توصیه شده بود که به‌هیچ‌وجه نگذاریم مقامات ایران از وجود گذرنامه امریکایی ما اطلاع حاصل کنند. (دادگاه دعوای ایران - ایالات متحده، دعوای خانم پ. س. علیه دولت ایران، پرونده شماره 465، سند شماره - 53، ص 8، بند 13)
- این شهادت‌نامه افشای این واقعیت است که دارندگان تابعیت مضاعف (مضمولان ماده 989) تابعیت خارجی خود را پنهان می‌کنند تا مضمول محدودیت‌های مندرج در ماده 989 نشوند و گذرنامه‌ی خارجی آنان، ضبط نشود.
- 3-7. یکی از کارکنان کنسولگری امریکا در طهران هم شهادت‌نامه‌ای با قید سوگند نوشته است (که دولت امریکا آن را به دادگاه دعوای ایران، ایالات متحده تسلیم

نموده است). که در دوران خدمت او در طهران، دولت ایران گذرنامه‌ی امریکایی تعدادی از اتباع امریکایی - ایرانی را هنگام ورود آنان به فرودگاه مهرآباد ضبط کرده و به کنسولگری امریکا فرستاده است.^۱

وزارت امور خارجه طی بخشنامه‌ی شماره‌ی 14/5271-16187 مورخ هفتم آبان 1344 دستور داده است که:

«از صدور روادید بر روی گذرنامه ایرانی آنان [بانوانی که شوهر ایرانی اختیار نموده‌اند] خودداری شود و گذرنامه‌ی خارجی این قبیل اشخاص برای ابطال باید به سفارتخانه مربوطه ارسال گردد» (مجموعه قوانین و مقررات مربوط به وزارت امور خارجه، همان، ص 490).

هم چنین است بخشنامه‌های شماره‌ی 4/1774 (مورخ 15 تیر 1347 و شماره 14/2138 مورخ 26 اردیبهشت 1349 (همان، صص 491 تا 493).
3-8. بند 2 ماده‌ی دوم قانون راجع به ورود اتباع خارجه به ایران، مصوب 19 اردیبهشت 1310 می‌گوید:

ماموران ایران در خارجه باید از دادن ویزا به اشخاصی که مطابق قوانین ایران، تبعه‌ی ایران محسوب می‌شوند و بخواهند با اوراق تابعیت غیرایرانی به ایران مسافرت کنند، خودداری نمایند.^۲

باید توجه داشت که اجازه‌ی ورود به ایران (ویزا) مخصوص اتباع بیگانه است و اتباع ایران برای ورود به ایران نیازی به ویزای ورود ندارند. کما آن که خانم لیندا. پ. تبعه‌ی امریکا که بعد از ازدواج با مرد ایرانی، طبق بند 6 ماده 976 قانون مدنی تبعه‌ی ایران محسوب می‌شده، گذرنامه‌ی امریکایی خود را برای اخذ ویزای ورود به ایران به کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو فرستاد ولی کنسول ایران تقاضای او را رد کرد و طی نامه مورخ 12 آوریل 1964 به او نوشت:

«مایلم به شما اطلاع بدهم که بر اثر ازدواج شما با یک مرد ایرانی، قانون ایران شما را تبعه‌ی ایران می‌شناسد. بنابراین خواهشمند است برای خودتان و

1. «الله علی مانقول وکیل»، و «انا به زعیم» سوره یوسف، آیه‌های 66 و 72 (خدا به آنچه که می‌گوییم ناظر و کارساز است) و (ما به آن ضامنیم).

1. مجموعه قوانین سال 1310، بخش قوانین.

فصل نامه دانشکده حقوق

فرزندانتان شناسنامه و گذرنامه‌ی ایرانی بگیریید ضمناً... قانون ایران صدور ویزای ورود به ایران را برای شما بر روی گذرنامه‌ی خارجی ممنوع می‌دارد» (دادگاه دعوی ایران - ایالات متحده‌ی آمریکا، پرونده شماره 316، شعبه‌ی دوم، دعوی برادران پ. علیه ایران، سند شماره 62، پیوست ب).

این نکته نیز قابل یادآوری است که حتی اگر ماموران کنسولی از تابعیت خارجی این افراد اطلاع حاصل کنند و اغماض نمایند، این اغماض نمی‌تواند اعتبار مقررات آمره‌ی ماده‌ی 989 را متزلزل کند و سابقه‌ای برای تکرار آن به وجود آورد، زیرا سابقه‌ی خلاف قانون مجوز تکرار آن سابقه نیست و عمل خلاف قانون را نیز مجاز نمی‌گرداند (Consuetudo neque injuria oriri neque toli potest).

ضمناً اطلاع ماموران کنسولی را نمی‌توان اطلاع رسمی دولت متبوع کنسول تلقی کرد، کما آن که در قضیه‌ی نوته بوهم، وی بعد از کسب تابعیت لیختن‌اشتاین و گرفتن گذرنامه‌ی جدید، برای اخذ ویزا به کنسولگری گواتمالا رفت، کنسول بر روی همان گذرنامه، ویزای ورود به گواتمالا صادر نمود و بدین طریق، یعنی با صدور ویزا بر روی گذرنامه‌ی مزبور، از تابعیت جدید او اطلاع حاصل کرد. اما دیوان بین‌المللی دادگستری در رای خود، صدور آن ویزا را برای شناسایی گواتمالا از تابعیت جدید نوته بوهم کافی ندانسته و اطلاع کنسول را اطلاع رسمی دولت گواتمالا تلقی ننموده است. بنابر این اطلاع کنسول ایران در سانفرانسیسکو از تابعیت مضاعف خانم لیندا ک، (همسر پ، تبعه‌ی ایران) و مشاهده‌ی گذرنامه‌ی خارجی او را نمی‌توان اطلاع رسمی دولت ایران به حساب آورد. (گزاره آرای دیوان بین‌المللی دادگستری (لاسه)، سال 1955 میلادی، همان، ص 23 و 26) همچنین است رای دیوان در قضیه‌ی کورویا (ج 10، صص 609 و 635)، نیز: رای صادره در قضیه‌ی کازانوا، پروفیسور بورخارد، (همان، ص 721 و 722)، قضیه لاکوست: جی. بی. مور: تاریخچه و خلاصه‌ی داوری‌های بین‌المللی که ایالات متحده آمریکا در آن طرفیت داشته است. (ج 3 ص 02561)

در اوایل دهه‌ی 1370، روزنامه‌های فارسی زبان در لس‌آنجلس (امریکا) نوشته‌اند که مقامات دولت ایران به آمریکا آمدند و با دارندگان تابعیت مضاعف

مذاکراتی به عمل آوردند و آنان را تشویق نمودند که به ایران مراجعت کنند و با حفظ تابعیت امریکا (تابعیت مضاعف) فعالیت‌های سابق خود را در ایران دنبال نمایند. قسمت اول این خبر، یعنی دعوت از اتباع ایران و تشویق آنان به بازگشت به ایران، با هیچ یک از قوانین ایران مغایرت ندارد، زیرا این افراد طبق ماده ی 989 قانون مدنی تبعه‌ی ایران هستند و هر وقت که مایل باشند می‌توانند، بدون ویزا، به ایران بازگردند. اما، قسمت دوم این خبر، در مورد حفظ تابعیت امریکایی این افراد، (اگر معمول بر صحت باشد) آشکارا با ماده‌ی 989 قانون مدنی ایران مغایرت دارد، زیرا این ماده صریحاً تابعیت خارجی آنان را کان لم یکن می‌شمارد و هیچ‌یک از مقامات دولتی ایران، حتی هیات وزیران، نمی‌تواند اظهاری بکند یا دستوری بدهد که با مقررات آمره‌ی^۱ ماده 989 مغایرت داشته باشد و بر تقدیر آن که چنین اظهاری کرده باشد، خارج از صلاحیت و اختیار او بوده و نمی‌تواند بر اعتبار ماده 989 خللی وارد آورد مگر آن که قانونگذار (همان که تصویب کرده) این ماده را لغو کند یا تابعیت مضاعف را مجاز بشمارد.

فصل چهارم. تبصره‌ی الحاقی ماده 989

دولت ایران به منظور ایجاد تسهیلاتی برای مضمحلان ماده‌ی 989، تبصره‌ی ای به در سال

۱. مقررات آمره مقرراتی است امری و عدول از آن ممکن نیست حتی با توافق طرفین، اما نویسنده مقاله حاضر، به تغییر خود، آن را به دو دسته تقسیم می‌نماید:

دسته‌ی اول: مقررات آمره کلاسیک که عدول از آن ممکن نیست حتی با توافق و گذشت، مثال معروف آن، ماده 1048 قانون مدنی است که می‌گوید: «جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد» و نویسنده اضافه می‌کند که حتی اگر در جهت منفعت هر دو خواهر و به اصرار آنان باشد مانند موردی که خواهر نود ساله افلیجی که «باعث و بانی» و وسیله معاش ندارد منتهی از لحاظ محرومیت (به نظر خود) می‌خواهد به عقد دائم یا منقطع شوهر خواهر خود در آید (بدون رابطه زناشویی) معهدا، با آن که این مورد، امری انسانی و کمک به نگهداری و در منفعت خواهر پیر است و هر دو خواهر هم با آن موافقت دارند، ولی قانوناً امکان‌پذیر نیست.

دسته‌ی دوم: مقررات آمره‌ای است که می‌توان آن را «مقررات آمره اجتماعی» نام گذاری نمود، این دسته از مقررات آمره بیشتر در روابط کارگر و کارفرما مصداق دارد بدین توضیح که عدول از آن اگر چه میسر نیست ولی در جهت منفعت بیشتر کارگر امکان‌پذیر می‌شود تعیین مزد اضافه‌تر از میزان قانونی، یا اعطای مرخصی بیش از مدت قانونی، و یا کاهش از ساعات کار روزانه، که چون در جهت منفعت بیشتر کارگر است (in milius) مانعی نخواهد داشت ولی عکس آن میسر نیست مانند تعیین مزد کمتر از میزان قانونی، یا اعطای مرخصی کمتر، و یا افزایش ساعات کار (جز در مورد اضافه کار قانونی که نباید از 4 ساعت تجاوز کند آن هم با پرداخت مزد ساعات اضافه‌کار).

فصل نامه دانشکده حقوق

1337 خورشیدی این ماده الحاق نمود که طبق آن :

«هیات وزیران می تواند به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولان این ماده را به رسمیت بشناسد. به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه، اجازه ی ورود به ایران یا اقامت می توان داد» (مجموعه قوانین سال 1337 وزارت دادگستری، صص 654 و 655، برای این افراد «سند شناسایی تابعیت» صادر می شود، بنگرید به ضمیمه ی شماره 5)

افزون بر این، به منظور تسهیل بیشتر کار این افراد و کاستن از تشریفات مربوط به اخذ تصمیم در هیات وزیران که ممکن است طولانی و وقت گیر باشد، تصویب نامه ای در تاریخ 18 آذر 1346 صادر و تحت شماره 45737 مورخ 22 آذر 1346 بدین شرح ابلاغ گردید:

«هیات وزیران در جلسه ی مورخ 18 آذر 1346 تصویب نمودند که اجرای مفاد تبصره ی ماده ی 989 قانون مدنی در مورد شناسایی تابعیت خارجی مشمولان ماده مزبور، از طرف وزارت امور خارجه و یا سفرا که از طرف وزارت امور خارجه اجازه ی مخصوصی برای انجام این امر داشته باشند، به عمل آید (مجموعه قوانین و مقررات مربوط به وزارت امور خارجه، همان)

بررسی سوابق امر نشان می دهد که در پیشنهاد و تصویب این تبصره مصلحت های سیاسی متعددی وجود داشته است از جمله این که: تعدادی از اتباع ایران که به خارج رفته و در آنجا اقامت گزیده و تابعیت دیگری تحصیل کرده بودند، در کشورهای مختلف به فعالیت های سیاسی و عملیات تخریبی مبادرت می ورزیدند و همین که دستگیر می شدند، خود را تبعه ی ایران معرفی می کردند و گذرنامه ی ایرانی خود را ارائه می دادند. این وقایع موجب اعتراض مکرر و گلایه ی دولت های دستگیرکننده ی این افراد از دولت ایران شده بود. دولت ایران به ناچار تبصره ی الحاقی را تهیه و به تصویب مجلس رسانید تا عندالزوم بتواند تابعیت خارجی این افراد را به رسمیت بشناسد و آنان نتوانند دیگر خود را تبعه ی ایران معرفی کنند.

اداره ی تابعیت وزارت امور خارجه نیز بخشنامه ای به شرح زیر، به امضای وزیر صادر کرد.

«چون عده ای از ایرانیان که به نحوی از انحا تابعیت خارجی کسب نموده اند و در کشورهای خارجی بسر می‌برند ممکن است برای حفظ منافع خود یا انجام مقاصد بعضی از دول، مرتکب اعمالی شوند که با مصالح ایران تطبیق نمی‌نماید لذا خواهشمند است دستور فرمایید ... به مجرد اثبات تحصیل تابعیت خارجی آنان، مراتب را با ذکر دلایل و مشخصات کامل هر یک به مرکز گزارش فرمایند تا با مطالعه و رسیدگی کامل به وضعیت آنان، در صورت اقتضا، تبصره‌ی الحاقی ماده‌ی 989 از قانون مدنی، کتاب تابعیت، را در باره‌ی آنان اجرا نمود. وزیر امور خارجه» (بخشنامه‌ی اداره‌ی تابعیت وزارت امور خارجه، شماره _____، ش _____، شماره _____ مورخ 2159/14-4796 اسفند 1352).

بعدها هم وزارت امور خارجه بخشنامه‌ی دیگری به شماره 14/338 در تاریخ 26 فروردین 1347 به نمایندگی‌های ایران در خارجه فرستاد راجع به باز پس گرفتن تابعیت ایرانی از افرادی که برخلاف مقررات قانون تحصیل تابعیت کشورهای بیگانه را نموده‌اند بدین شرح:

«متعاقب بخشنامه‌ی شماره‌ی 29159/4796 مورخ 25 اسفند 1342، خواهشمند است مراتب زیر را مجدداً به مسئولین امور کنسولی آن نمایندگی ابلاغ نمایید. طبق تصمیمات متخذه مقرر است به استناد و اختیار حاصله از مفاد تبصره‌ی الحاقی ماده‌ی 989 قانون مدنی، تابعیت خارجی افرادی را که برخلاف مقررات قانونی تحصیل گردیده به رسمیت شناخته و گذرنامه و شناسنامه و سایر مدارک هویت ایرانی آنان را مسترد و باطل نمایند. علیهذا، مقتضی است در صورت مراجعه‌ی این قبیل اشخاص، بلافاصله مراتب را ضمن ارسال عین گذرنامه و شناسنامه و فتوکپی مدرک تابعیت خارجی و 10 قطعه عکس و آخرین نشانی محل اقامت و شغل آنان را در ایران به وزارت امور خارجه اعلام دارند تا طبق مقررات قانونی نسبت به شناسایی تابعیت خارجی مشمولان ماده‌ی 989 اقدام عاجل به عمل آید، از طرف وزارت امور خارجه (مجموعه قوانین و مقررات مربوط به وزارت امور خارجه، همان، ص 501).

برای این افراد، پس از اخذ مدارک هویت ایرانی، سند شناسایی تابعیت (مطابق فرم 11

فصل نامه دانشکده حقوق

ضمیمه شماره 5 این مقاله) صادر می‌گردد. در متن سند شناسایی، که نباید آن را با سند ترک تابعیت اشتباه نمود، تصریح می‌شود که وزارت امور خارجه تابعیت خارجی این افراد را به رسمیت می‌شناسد. از آن پس، و تابعیت ایرانی این افراد زایل می‌شود و دیگر تبعه ایران به شمار نمی‌آیند ولی به آن‌ها اجازه داده می‌شود که با گذرنامه‌ی خارجی به ایران وارد شوند و، حتی اقامت نمایند.

بدین ترتیب، هیچ اشکالی برای مضمولان ماده‌ی 989 وجود ندارد که چنین درخواستی را به عمل آورند تا تابعیت خارجی آنان به رسمیت شناخته شود. اما، آنان از تسهیلات این تبصره استفاده نمی‌کنند تا به نوشته‌ی اسماعیل راین بتوانند بازی دوپل را ادامه دهند (اسماعیل راین: حقوق بگیران انگلیس، همان، ص 461) و برحسب منفعت آنی^۱، خود را گاهی به این و گاهی به آن تابعیت معرفی نمایند.^۲

فصل پنجم. محرومیت مضمولان ماده‌ی 989 از حق استملاک اموال غیر منقول در ایران

اگرچه ماده‌ی 989 قانون مدنی مضمولان این ماده را منحصراً تبعه‌ی ایران می‌شناسد ولی ضمن همان ماده، آنان را از پاره‌ای حقوق در ایران محروم نموده است از جمله:

- محرومیت از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت،

1. این مسئله از قدیم مبتلا به دولت ایران بود:

«نامه مورخ 10 رمضان 1286 ر میرزا سعید وزیر امور خارجه ایران به نصرالله مشیرالدوله سفیر کبیر ایران در استانبول (وزیر امور خارجه بعدی، پدر حسن مشیرالدوله و حسین موتمن‌الملک) حاکی است که: آن اشخاص... همیشه رعیت (تبعه) دولت ایران بوده‌اند و با آن‌ها به نحوی که در باره‌ی سایر رعیت معامله می‌شود، رفتار می‌شده است. بعد از قتل خدومه... به جهت خلاصی از ورطه‌ی خطرناک، خود را منتسب به دولت دیگر دانسته و سیله حفظ خودشان را به این منحصر دیده‌اند که خود را تبعه‌ی عثمانی معرفی کنند» (گزیده اسناد سیاسی، همان، ح 3 ص 433).

1. این نظر که دارنده‌ی تابعیت مضاعف مجاز نیست از هر دو تابعیت به هر گونه که مایل است بهره گیرد، در قضیه‌ی مشهور نوته بوهم مورد اشاره دیوان دادگستری بین‌المللی قرار گرفته است. دیوان در این دعوا دادخواست دولت لیختن اشتاین به حمایت از نوته بوهم را به این دلیل رد کرد که وی به واسطه‌ی تولد تبعه‌ی آلمان بود و تابعیت لیختن‌اشتاین را فقط برای مصلحت تحصیل کرده بود. بدین جهت دیوان رای داد که شخص نمی‌تواند از تابعیتی که بنا به ملاحظات مصلحتی برگزیده است، بهره مند شود (گزاره آرای دیوان بین‌المللی، سال 1955 همان).

- محرومیت از انتخاب شدن به نمایندگی مجلس¹
 - محرومیت از انتخاب شدن در انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری،
 - محرومیت از مشاغل دولتی،
 - محرومیت از ادامه‌ی مالکیت و نگهداری اموال غیرمنقول موجود در ایران،
- (و با قیاس اولویت، ممنوعیت از حق استملاک اموال غیرمنقول در آینده).

این منع آتی اگر چه در متن ماده‌ی 989 تصریح نشده ولی در آن مستتر است، به خصوص که در نظام حقوقی ایران و رویه‌ی قانون نویسی، تمامی موارد محظوریت و ممنوعیت یا حقوق و اختیارات در متن عبارات قوانین منظور نمی‌شود و استناد به قانون اختصاص به دلالت منطوقی ندارد بلکه دلالت التزامی و دلالت مفهومی نیز از جمله موارد آشکار برای بیان حکم بوده و از منابع حقوق ایران به شمار می‌رود. بنابراین، با توجه به این که املاک مشمولان ماده 989 با نظارت دادستان به فروش رسانیده می‌شود، به طریق اولی، بنا به مفهوم همین ماده، آنان مجاز به تملک اموال غیرمنقول در آینده نخواهند بود و نیازی نیست که موارد و مصادیق ممنوعیت در متن ماده ذکر شود بلکه دلالت مفهومی، جزئی از حکم قانون است و در مورد قیاس اولویت جنبه‌ی تأکیدی هم دارد. با این توضیح، ممنوعیت حق استملاک برای مشمولان

2. در سال 1329 قمری که حاج علی آقا مجتهد شیرازی ابن حاج عبدالکریم از شیراز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب شده بود، در باره تابعیت دیگر او (تابعیت عثمانی)، شخصی به نام سیدباقر طهرانی کتابچه‌ای منتشر کرده و در صفحه 7 آن، متن نامه‌ای را که حاج‌علی آقا در تاریخ یکم ماه کانون اول سنه 1326 ق به قایم مقام نجف اشرف نوشته بود، چاپ کرده است بدین شرح:

«در سنه 1270 هجری (قمری) والد مرحوم من به نجف آمده و در این جا مزاجت نمود با مادر من... از تبعه‌ی دولت عثمانی... شنیدم که هر کس مادرش تبعه‌ی عثمانی است او هم تابع مادر خودش می‌باشد و فریضه‌ی ذمه دانستم که تذکره و تابعیت عثمانی را که موجب افتخار است گرفته ممثل قوانین مطاعه باشم والا من له الامرالداعی حاجی آقا علی بن حاج عبدالکریم» (ترجمه از متن نامه اصلی که به زبان عربی است).

در گوشه‌ی این نامه، دایره نفوس عثمانی نوشته است، «به جهت بودن والدهی صاحب استدعا از تبعه‌ی عثمانی... به موجب امر نامه‌ی نظارت جلیله‌ی داخله مورخ 28 تموز 1323 که متزوجین زنان عثمانی از ایرانی‌ها، اولاد آن‌ها جزء تبعه عثمانی معدود می‌باشند مستدعی است... قرار معامله او را نوشته... به دایره‌ی نفوس بدهید» (ترجمه از متن نامه اصلی که به زبان ترکی است)، (کتابچه‌ی کشف حقیقت یا ناشر اسناد تبعیت حاج‌آقا مجتهدشیرازی و کیل مجلس، ناشر: سیدباقر طهرانی، چاپ مطبعه‌ی فاروس، طهران، بدون تاریخ، صص 7 تا 9.

فصل نامه دانشکده حقوق

ماده‌ی 989 در آینده را می‌توان به روشنی در آن ماده ملاحظه نمود، والا معقول نیست که این ماده از یک طرف، مقرر نماید که املاک موجود این افراد باید با نظارت دادستان به فروش رسانیده شود و از طرف دیگر، همین افراد در آینده بتوانند اموال غیرمنقول جدید، یا همان املاکی را که با نظارت دادستان فروخته شده بود، خریداری نمایند. در این صورت، دادستان‌ها به‌صورت کارگزار این افراد برای انجام در معاملات ملکی آنان در می‌آیند که آنها اموال غیرمنقول خریداری نمایند و دادستان‌ها پی در پی به فروش املاک آنها اقدام کنند.

مشمولان ماده‌ی 989 را از نظر ممنوعیت استملاک اموال غیرمنقول، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

1-5- گروه اول. ایرانیانی هستند که در لحظه‌ی کسب تابعیت خارجی، اموال غیرمنقولی در ایران داشته‌اند که آن را قبلاً با تابعیت منحصر ایرانی خریداری نموده بودند. یعنی در زمانی که تابعیت مضاعف نداشته‌اند. این املاک طبق ماده‌ی 989 باید بعد از کسب تابعیت خارجی، با نظارت دادستان به فروش رسانیده شود و پس از فروش، حاصل فروش بعد از کسر مخارج فروش و پرداخت مالیات متعلقه و مخارج دفترخانه، به همان ارزی که فروخته شده است یعنی به ریال به مالک پرداخت شود. این اقدام موقعی میسر خواهد بود که افراد مذکور، تحصیل تابعیت خارجی خود را به وزارت خارجه اطلاع دهند، یا به عبارت دیگر، افشا نمایند.

2-5- گروه دوم. ایرانیانی هستند که بعد از تحصیل تابعیت خارجی، علیرغم محروم بودن از حق استملاک در ایران، اقدام به خرید اموال غیرمنقول نموده‌اند. اقدام این افراد نه تنها فی‌نفسه تخلف از قانون شمرده می‌شود و طبق یک اصطلاح حقوقی «هیچ کس نمی‌تواند از عمل خلاف خود منتفع شود»¹ بلکه طبق ماده 365 قانون مدنی² اساساً برای آنان مالکیت به وجود نمی‌آورد.

نکته‌ای که باید در مورد گروه دوم توضیح داده شود این است که آنان نمی‌توانند

1. nullus commodum capere potest de injuria sua propria.

2. ماده 365 قانون مدنی: «بیع فاسد اخیری در تملک ندارد» عدم اطلاع از «محروم بودن» یعنی جهل به قانون مسموع نیست.

مانند گروه اول، از اجازه‌ی فروش املاک با نظارت دادستان برخوردار شوند زیرا املاک گروه اول قبل از کسب تابعیت خارجی خریداری شده بود و هنگام خرید، مشمول ماده‌ی 989 نبوده‌اند. ولی گروه دوم بعد از کسب تابعیت خارجی، یعنی در زمانی که ممنوع از خرید بوده‌اند، برخلاف قانون اقدام نموده‌اند. مسلماً هر که مرتکب عمل خلاف قانون شود باید عواقب قانونی آن را تحمل کند نه این که به او امتیاز داده شود. غیر از این دو گروه، می‌توان گروه مرکبی را نیز در نظر گرفت بدین توضیح که مشمولان ماده‌ی 989، قبل از کسب تابعیت خارجی، املاکی داشته‌اند و بعد از کسب تابعیت خارجی، نه تنها املاک قبلی را نگه داشته‌اند بلکه، املاک جدیدی نیز خریده‌اند. املاک این افراد، برحسب مورد، مشمول توضیحاتی است که در باره‌ی هر مورد به شرح فوق ذکر گردیده است.

فصل ششم. تکمله در باب حق استملاک غیرمنقول

در این فصل در خصوص حق استملاک زنان خارجی که همسر ایرانی اختیار کرده‌اند، اولادی که از پدر ایرانی در خارجه متولد شده‌اند و اشخاص حقوقی خارجی بحث خواهیم کرد.

6-1. حق استملاک زنان خارجی که شوهر ایرانی اختیار کرده‌اند

این افراد خواه مقیم ایران باشند یا نباشند، با قبول اختیاری شرایط و آثار ازدواج با مرد ایرانی، به تابعیت منحصر ایران طبق بند 6 ماده‌ی 976 قانون مدنی تمکین کرده‌اند. در این صورت آنان مانند سایر اتباع ایران از حق استملاک اموال غیر منقول برخوردارند، منتها بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی می‌توانند طبق ماده 986 همان قانون «... به تابعیت اول خود رجوع نمایند... در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه‌ی خارجه می‌شود»، حق داشتن اموال غیرمنقوله نخواهد داشت. مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه² داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیرمنقول بیش از آن

1. بند 6 ماده 976 قانون مدنی: «هر زن تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد» تبعه‌ی ایران محسوب می‌شود.

2. اتباع ایالات متحده، طبق بند الف ماده پنجم عهدنامه مودت مورخ 1955 فقط حق دارند «در مدت‌های مناسب

فصل نامه دانشکده حقوق

چه برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است، بوده یا بعداً به ارث اموال غیرمنقولی بیش از آن حد به او برسد، باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران (رجوع به تابعیت اول) یا دارا شدن ملک در مورد ارث، مقدار مازاد را به نحوی از انحا به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم (دادستان) به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت به او داده خواهد شد.

در ماده‌ی فوق، ذکر عبارتهای «می‌تواند به تابعیت اول خود رجوع نماید» و «تبعه‌ی خارجه می‌شود» به‌خوبی نشان می‌دهد که این زنان بعد از ازدواج با مرد ایرانی، فقط دارای یک تابعیت (تابعیت شوهر ایرانی خود) هستند و تابعیت دیگری ندارند والا اگر تابعیت قبل از ازدواج آنان محفوظ می‌ماند، دیگر احتیاجی به «رجوع به تابعیت اول» یا «تبعه‌ی خارجه» شدن نمی‌داشتند. وزارت امور خارجه نیز در بخشنامه‌ی شماره _____

1237 - 14 مورخ 13 خرداد 1347 تاکید نموده است که:

«عدم رعایت مقررات قانونی به‌ویژه داشتن تابعیت مضاعف و دو گذرنامه از طرف این بانوان به‌هیچ‌وجه مجوز و موردی ندارد (مجموعه قوانین و مقررات در ارتباط با وزارت امور خارجه، همان، ص 490).

هم چنین است بخشنامه‌های شماره‌ی 1774 - 14 مورخ 15 تیر 1347 و شماره‌ی 2138 - 14 مورخ 26 اردیبهشت 1349 (همان، صص 490 تا 492).

با این وصف، اگر زن خارجی بعد از ازدواج با مرد ایرانی، علیرغم توضیحات مذکور در فوق و بخشنامه‌های وزارت امور خارجه، ضمن حفظ تابعیت اول خود، اموال غیرمنقولی با استفاده از تابعیت ایرانی خود خریداری نماید، در این صورت، وی طبق اصل استاپیل (STOPPEL) در حقوق بین‌الملل (منع انکار پس از اقرار)، ماخوذ به تابعیت ایرانی خود بوده و نمی‌تواند در موارد بروز اختلاف، به تابعیت اولیه‌ی خود تکیه نماید و از آن تابعیت استفاده کند.

استاپیل در حقوق بین‌الملل به چهار عنصر اساسی بستگی دارد:

1. آقای الف اظهاری می‌نماید یا عملی انجام می‌دهد .

اموال غیرمنقول لازم را برای سکونت یا فعالیت‌های ناشی از عهدنامه اجاره نمایند.» و مطلقاً حق تملک ندارند.

2. آقای ب به آن اظهار یا عمل با حسن نیت تکیه نموده و در نتیجه، انجام یا خودداری از انجام عملی را از نظر قانونی تعهد می‌نماید.

3. اظهار یا عمل بعدی آقای الف، برخلاف اظهار یا عمل سابق وی، ممکن است برای آقای ب زیان‌آور باشد.

4. آقای الف در نتیجه، از عدول از اظهار یا عمل سابق خود ممنوع می‌باشد.

(Professeur Emanuel GAILLARD: "Le principe de l'estoppel dans quelques sentences récentes arbitrales", Revue de L' Arbitrage, 1985, No. 1 (Janvier – Mars), pp. 242-277.)

در مانحن‌فیه (زنان خارجی که همسر ایرانی دارند) تمام عناصر متشکله‌ی استاپل موجود است.

1. زن خارجی در تمام سال‌های ازدواج، به‌طور منظم به‌عنوان یک تبعه‌ی ایرانی رفتار کرده است (از جمله با شناسنامه‌ی ایرانی اموال غیرمنقول که مختص اتباع ایرانی است، خریده).

2. مراجع ایرانی به این تابعیت وی اتکا نموده و از وی نخواستند تا شرایط و الزامات پیش‌بینی شده در قوانین ایران برای اتباع بیگانه را ایفا نماید.

3. زن مذکور اینک به تابعیت خارجی خود استناد می‌کند و می‌خواهد از آن تابعیت می‌خواهد علیه ایران استفاده کند. این استناد او برای ایران زیان‌بار خواهد بود.

4. زن مذکور از دیدگاه حقوق بین‌الملل، از استناد به تابعیت خارجی خود ممنوع است.

2-6. حق استملاک فرزندان که از پدر ایرانی در خارجه متولد شده‌اند

این افراد طبق بند 2 ماده 976 قانون مدنی تبعه‌ی ایران محسوب می‌شوند (اصل خون)، در عین حال ممکن است به علت تولد در خاک کشور خارجی، براساس قانون آن کشور (اصل خاک)، تابعیت کشور مزبور به آن‌ها تحمیل شود. این گروه اگر در ایران اموال غیرمنقولی، با استفاده از تابعیت ایرانی خود خریده، یا ولی آنان برایشان خریده باشد. در این صورت، آنان نیز طبق اصل استاپل، ماخوذ به تابعیت ایرانی خود

فصل نامه دانشکده حقوق

بوده و نمی‌توانند در موارد بروز اختلاف، به تابعیت خارجی خود تکیه نمایند.^۱

3-6. حق استملاک اشخاص حقوقی خارجی (شرکت های خارجی)

در مورد اشخاص حقوقی خارجه از جمله شرکت های خارجی با عنایت به مواد 519 و 588 قانون تجارت، نکات زیر قابل توجه است:

3-6-1. شرکت های خارجی که در ایران به ثبت نرسیده اند. این شرکتها مانند بیگانگان غیرمقیم و به همان دلایل^۲ از استملاک اموال غیرمنقول در ایران ممنوع هستند. 3-6-2. شرکت های خارجی که در ایران به ثبت رسیده اند و فعالیت دارند این شرکتها می‌توانند مانند بیگانگان مقیم ایران و طبق آیین نامه‌ی استملاک اتباع بیگانه مقیم ایران مورخ دهم مرداد 1328، منحصراً برای محل کسب خود اموال غیرمنقول خریداری نمایند^۳ به شرط رعایت مقررات مندرج در آن آیین نامه (و رعایت عمل متقابل در کشور متبوع آنها). شرکت های مذکور مشمول اصل 81 قانون اساسی هستند منتها متن مصوب جلسه بررسی مجلس خبرگان، مطابق صورت مشروح مذاکرات جلسه شصت و پنجم مورخ 20 آبان 1358، جلد سوم، چاپ آذر 1364، صفحه‌ی 1810، با متن چاپ شده‌ی آن در صفحات آخر همان جلد، صفحه‌ی 1859، اختلاف دارد، شورای نگهبان در نظر خود، مورخ دوم خرداد 1360 به این اختلاف اشاره‌ای نکرده و شاید از وجود آن اطلاع حاصل ننموده است. (مجموعه نظرات شورای نگهبان، گردآوری دکتر حسین مهرپور، صص 41 تا 34) در نظر شورای

1. نظرات حقوقی پروفیسور یان براونلی (professeur yan Brownlie) استاد حقوق بین الملل دانشگاه اکسفورد (انگلستان) در دعوی ر.ک. علیه ایران در پرونده شماره 419 شعبه دوم دادگاه دعوی ایران - ایالات متحده، هم چنین: نظرات پروفیسور آنتونیو کاسیس (ANTONIO - CASSESSE) استاد حقوق بین الملل دانشگاه اروپایی فلورانس (ایتالیا) (و رییس کل دادگاه سازمان ملل متحد برای رسیدگی به جنایات یوگسلاویان)، در پرونده 319 شعبه اول همان دادگاه، دعوی ه.ا. علیه ایران).

2. طبق ماده 961 قانون مدنی: جز در موارد بندهای سه گانه این ماده، اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود. استثناء بند اول، در مورد حقوقی است که «قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است (از جمله استملاک غیرمنقول که مختص اتباع ایران است و از اتباع خارجه سلب شده است) طبق مواد 12 و 14 قانون نامه تابعیت».

1. این حق طبق بند الف ماده 5 عهدنامه مردت به اتباع امریکا داده نشد است.

نگهبان مورخ 23 اردیبهشت 1370 نیز فقط موارد محدودیت احصا شده و ممنوعیت هم منحصر به موارد احصا شده است (همان، صص 46 و 47). لازم به تذکر است که چون در بند الف ماده 5 عهدنامه مودت ایران و امریکا مورخ 1955 میلادی حق استملاک به اتباع امریکا داده نشده و آنان فقط می‌توانند برای محل کسب و سکونت خود اموال غیرمنقول اجاره نمایند، و نظر به این که کلمه «اتباع» شامل اشخاص حقوقی هم می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که به شرکت‌های امریکایی که در ایران به ثبت رسیده‌اند و فعالیت‌های ناشی از عهدنامه دارند، حق استملاک داده نشده است و منحصراً حق اجاره دارند آن هم برای مدت‌های مناسب (نه 99 ساله).

منابع

1. اعتمادالسلطنه، 1294 قمری، مرآت البلدان، چاپ سنگی، طهران.
2. Aanuair de I Institut de drot international, 1965
3. Bar-yakot, Nicola, Dual nationalite, Landon, 1961
4. Borchard , E. D., citizen abroad or the law of international claim, 1915
5. Basdevant, Jule, conflit de nationalite (Miliani's Case)
6. Gaillard, Emanuel, le principe de l'estoppel dans quelque Sentence arbitrals recentes, 9 Iran – US. CTR
7. جواهرکلام، عبدالعزیز، 1311 طهران.
8. Hackworth, Digest of international law vol3 1945
9. رائین، اسماعیل، 1356 حقوق بگیران انگلیس، چاپ ششم، طهران.
10. Recueil des decisions des T.A.M. (Tribunal Arbitral Mixte), III eme annee, 1924.
11. Revue de l'Arbitrage, 1985, No1 (Janvier – Mars)
12. Seidel, I., Hohenveldern, Melange Guggenheim, Institut des Hautes Etudes Internationals, Geneve, 1968
13. سلجوقی، محمود، 1370 حقوق بین‌الملل خصوصی، انتشارات دفتر خدمات حقوق بین‌المللی ج.ا. طهران
14. کتابچه کشف حقیقت یا نشر اسناد تبعیت حاج آقا مجتهد شیرازی، وکیل مجلس، ناشر سیدباقر طهرانی، چاپ تهران، بدون تاریخ.
15. گزاره آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، سال 1955 (R.C.L.J, 1955).
16. گزیده اسناد ایران و عثمانی، انتشارات وزارت امور خارجه ایران، دفتر مطالعات سیاسی و

فصل نامه دانشکده حقوق

بین‌المللی.

17. مرعشی، علاءالدین، 1316، تابعیت در ایران، چاپ مجلس.
18. مهرپور، حسین، مجموعه نظرات شورای نگهبان.
19. Verzijl, International law in Historical perspective , part V, 1972
20. UN. Reports of Arbitral Awards , vol. III .
21. مقالات و پرونده‌ها: جمال‌زاده، سیدمحمدعلی، مجله یغما، سال هفدهم، شماره اول، شماره مسلسل 189 فروردین 1343.
22. قزوینی، علامه‌محمد، بیست مقاله، جلد اول .
23. پرونده شماره 316 دادگاه دعاوی ایران، ایالات متحده امریکا، شعبه دوم، دعوی برادران پ علیہ ایران، سند. 62.
24. پرونده شماره 319 دادگاه دعاوی ایران، ایالات متحده امریکا، شعبه اول، دعوی ه. ا. علیہ ایران.
25. قوانین: قانون‌نامه تابعیت 1311 قمری، دارالطباعه فاروس، سنه 1326 قمری، بیچیل (سال میمون)، طهران.
26. صورت مذاکرات جلسه 23 آذر 1336 مجلس سنا.
27. مجموعه قوانین سال 1351.
28. مجموعه قوانین سال 1310 وزارت دادگستری، بخش قوانین.
29. مجموعه قوانین مصوب دوره هفتم قانونگذاری (14 مهر 1307 تا 14 آبان 1309).
30. مجموعه قوانین و مقررات وزارت امور خارجه سال 1353.

ضمیمه شماره 1.

ماده ۹۸۸ - اتباع ایران نمیتوانند تبعیت خود را ترک کنند مگر بشرایط ذیل:

- ۱ - بسن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.
 - ۲ - هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.
 - ۳ - قبلاتعهد نمایند که در ظرف یکسال از تساریخ ترك تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا میباشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملك آنها به اتباع خارجه بدهد بنحوی از انحاء باتباع ایرانی منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترك تابعیت مینمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمیگردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آنها هم باشد.
 - ۴ - خدمت تحت السلاح خود را انجام داده باشند.
- تبصره الف - کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترك تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی مینمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (۳) از این ماده در باره آنان مقرر است بنساید

* اصلاحی مصوب ۲۷ بهمن ماه ۱۳۴۸

ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترك تابعیت از ایران خارج شوند چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یکسال موکول به موافقت وزارت امور خارجه میباشد.

تبصره ب - هیئت وزیران میتواند ضمن تصویب ترك تابعیت زن ایرانی بی شوهر ترك تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا بجهت دیگری مجبورند اجازه دهد فرزندان زن مذکور نیز که بسن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند میتوانند بتابعیت از درخواست مادر

فصل نامه دانشکده حقوق

ماده ۹۸۹ - هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن با و داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال بوزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و هر گونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

تبصره - هیأت وزیران میتواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را برسمیت بشناسد.

باین گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت میتواند داد.

•• الحاقی مصوب ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۷ منتشره در روزنامه رسمی شماره: ۴۱۰۲ مورخ ۱۸/۱۲/۳۷ (صفحات ۶۵۴ و ۶۵۵ مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷).

۱۴۴/قانون مدنی

ARTICLE 989. Any Iranian citizen who has acquired foreign citizenship without observing legal requirements after the date of 1280 (1910-1902), his foreign citizenship shall be considered as null and void and he will be regarded as an Iranian citizen. Nevertheless, all his immovable estate shall be sold under the supervision of the local public prosecutor and the proceeds shall be paid to him after deduction of the expenses of sale. Furthermore, he shall be deprived from attaining the positions of a minister, assistant minister, membership of the legislature, provincial, district and municipal councils, and any other government position.

Note* - The Council of Ministers may, in light of state interests and at the proposal of Ministry of Foreign Affairs, recognize the foreign nationality of those subject to this article.

Permission of entry into or residence in Iran may be granted to such individuals, upon approval of the Ministry of Foreign Affairs.

*Amendment approved on 11 Bahman 1337 (31:1.1959).

ضمیمه شماره 2

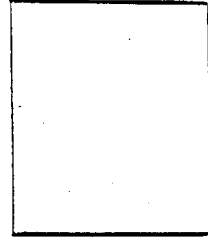
Forms for Renunciation of Iranian Nationality
in Relation to Article 988 of the Civil Code of Iran

فرم‌های ترک تابعیت ایران، در ارتباط با ماده ۹۸۸ قانون مدنی

فصل نامه دانشکده حقوق

تاریخ _____
شماره _____

محل الصاق عکس



تقاضا نامه خروج از تابعیت

امضاء کننده ذیل که از اتباع مسلم ایران میباشد هویت خود را ذیلاً بعرض وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی رسانده .

نام _____ نام خانوادگی _____ تاریخ تولد _____ محل تولد _____

نمره و تاریخ و محل صدور ورقه هویت _____

نام پدر _____ نام خانوادگی _____ تاریخ تولد _____ محل تولد _____

نمره و تاریخ و محل صدور ورقه هویت _____

نام مادر _____ نام خانوادگی _____ تاریخ تولد _____ محل تولد _____

نمره و تاریخ و محل صدور ورقه هویت _____

اسم عیال _____ اسامی اولاد و تاریخ تولد آنها _____

علل و موجبات تقاضای ترک تابعیت _____

تصدیق انجام خدمت نظام وظیفه _____

تابعیت دولتی را که میخواهد قبول کند _____

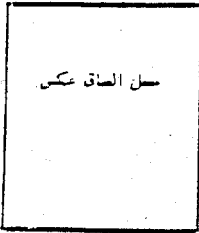
شغل _____ محل اقامت فعلی _____

تقاضای اجازه خروج از تابعیت ایران را مینماید ضمناً تعهد مینماید از تاریخ تصویب قبول ترک تابعیت الی مدت یکسال کلیه حقوق خود را بر اموال غیر منقولی که در ایران دارا هستم و یا ممکن است بالوراثه دارا شوم و لو قوانین ایران اجازه تملک آنرا باتباع خارجه بدهد بپرنحوی از انحاء باتباع ایران انتقال دهم و نیز منمید میشوم که در ظرف مدت مزبور از خاک ایران خارج شوم .

امضاء _____
صحت امضاء و هویت شخص فوق الذکر و صحت مندرجات فوق را _____ تصدیق مینماید . محل امضاء _____

محل الصاق پنج دپال تصویر





وزارت امور خارجه
سند خروج از تابعیت

اداره تابعیت _____
شماره _____
تاریخ _____
پیوست _____

وزارت امور خارجه شاهنشاهی در پاسخ درخواستنامه سرخ _____
آقای _____ که باتفاق همسرش بانو _____

و نوزندانیش باصافی _____
برطبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی - کتاب تابعیت - تقاضای خروج از تابعیت ایران نمودماته باسناد اختیار
حاصله از تصویب نامه شماره ۴۶۹۷۰ سرخ ۴۶/۱۰/۱۳ عینت محترم وزیران با خروج نامبردگان از
تابعیت دولت شاهنشاهی سواقت سیماید .
نامبردگان سلونند تمهداتی را کهه برطبق قیوه ۳ و تبصره ماده سزبورد نمودماته عمل نمایند :

وزیر امور خارجه

محل الصاق دوپست و پنجاه ربال تیس

نوبته ۹

فصل نامه دانشکده حقوق

Specimen of Approval by the Ministry of Foreign Affairs

نمونه موافقت وزارت خارجه



اماره تاسیبت
شماره ۵
تاریخ



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور خارجه



سند خروج از تابعیت

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ درخواستنامه مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۲

خانین - آ نای فردنه رمنانلملی شهرت

که ناشاق همسرش بانو: نایلمه فردنه شهرت

و فرزندش نام: نایلمه و فرزندانش نایلمه نایلمه و نگار

بر طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی " کتاب تاسیبت " تقاضای خروج از تابعیت ایران نمودند با استناد اخبار حاصله از

تصویب نامه شماره ۴۶۹۲۰ مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۱۳ هیات وزیران با خروج نامبرده - نامبردگان از تابعیت دولست

جمهوری اسلامی ایران موافقت میباید .

نامبرده بطریق آتی - نامبردگان طرزند شهیدان که بر طبق نقره ۳ و شماره

ماده مزبور نموده اند عمل بیجلیبو - نمایند

ویرا امیر خارجه

نام و نام خانوادگی: <u>نامبرده</u>	
ایران شماره: <u>۲۲۷۹</u>	
محل الحاق بیست هزار ریال تصویر	شماره: <u>۶۵۱۸</u>
تاریخ: <u>۲۳۳/۳۳۰-۱۳۴۰/۲۹ ۵۲</u>	

رونوشت تکثیر شده اصل سند عطف بنامه شماره ۲۲۱۰۱۱/۱۲۸۰ ب مورخ ۶۸/۲/۱۲ سرگنسونگری جمهوری اسلامی ایران در موبیخ ارسال میگردد . خواهشمند است دستور فرمایند پس از الحاق و اسفغال ۲۰۰۰۰ ریال تصویر اصل سند را بنا بر سرمدگان تسلیم و رسید آنرا همراه با شناسنامه نامبردگان وزارت امور خارجه ارسال دارند .

STADT FÜRTH



STADT FÜRTH, Postfach 25 37, 8510 Fürth		Amt/Dienststelle	
Konsulat in München		Ordnungsamt	
		Veranstaltungsgebäude	
		Amtshaus, Kohlenmarkt 3	
		Zimmer	
Auskunft erteilt		Frau Ultsch 213	
Durchwahl	Heberruf	Vermittlung	Fernschreiber
(09 11) 7 41- 244		7 41-0	62 65 97 stfue d
Unsere Zeichen (Bitte bei Antwort angeben)			Fernkopplänge
III/OA/Gw-3, 4			(09 11) 77 27 13

Datum und Zeichen Ihres Schreibens

siehe Anlagen

Datum

11.07.1989

Auskunft aus dem Gewerberegister

Sehr geehrte Damen und Herren,

das Gewerberegister ist kein öffentliches Register. Es dient grundsätzlich nur dienstlichen Zwecken, weshalb auch eine allgemeine Auskunftspflicht an Stellen außerhalb des öffentlichen Bereichs nicht begründet ist. Auskünfte werden aber unter Beachtung der Bestimmungen des bayerischen Datenschutzgesetzes (BayDSG) erteilt, soweit und solange dies mit den gesetzlichen Aufgaben der Gewerbebehörde vereinbar ist.

Ihre Anfrage wurde auf der Rückseite dieses Schreibens beantwortet und wird als Anlage wieder zurückgesandt.

Es wird darauf hingewiesen, daß für die Richtigkeit und Vollständigkeit der Auskunft keine Gewähr übernommen wird.

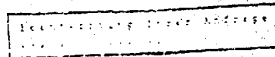
Die übermittelten Daten dürfen nach Art. 18 Abs. 5 BayDSG nur für Zwecke verwendet werden, zu deren Erfüllung sie übermittelt wurden.

Auskünfte aus dem Gewerberegister sind kostenpflichtig (Art. 1, 2, 5 und 8 des Bayer. Kostengesetzes in Verbindung mit Tarif-Nr. 78.1 des Kostenverzeichnisses zum Kostengesetz). Die Kosten hat der Anfragende auch dann zu tragen, wenn für den gesuchten Gewerbetreibenden keine Anmeldung feststellbar ist.

Fürth, 11.07.1989

Mit freundlichen Grüßen
Im Auftrag

Ordnungsamt



VERUNG VON MITTELFRANKEN
A n s b a c h

Einbürgerungszusicherung

Datum 31. Mai 1989	Geschäftszeichen 200XXXXX 200 - 1355 B 4/88	
Dem XXX Einbürgerungsbewerber XXX		
Bonakdar Djawad	◀ Name, Vorname	
19. Mai 1934	◀ Geburtsdatum	
Machad, Iran	◀ Geburtsort	
Vacher Straße 62, 8510 Fürth	◀ Wohnanschrift	
und folgenden Familienangehörigen		
▼ Name, Vorname	▼ Geburtsdatum	▼ Geburtsort
Bonakdar Fatemeh, geb. Matinpour	22.05.1951	Teheran, Iran
Bonakdar Neger	03.09.1977	Fürth
Bonakdar Nawid	04.04.1982	Fürth
---	---	---
wird die Einbürgerung für den Fall zugesagt, daß XXX sie den Verlust der		
iranischen Staatsangehörigkeit		
XXXXXXXXXX nachweisen		
30. Mai 1991	⚠ Die Einbürgerungszusicherung gilt nur bis zu diesem Zeitpunkt	
Sie wird unter dem Vorbehalt erteilt, daß sich die für die Einbürgerung maßgebenden Verhältnisse, insbesondere die persönlichen Verhältnisse des Einbürgerungsbewerbers, bis zum Ablauf der Frist nicht ändern.		

4 - 1104

Im Auftrag,



فصل نامه دانشکده حقوق

بدینوسیله قصد خود را با نیت خالص برای تبیین شدن
اینها لایحه متعهد اعلام داشته و بدون هیچگونه شک و تردید
سوگندنامه مربوط به رد تابعیت و قبول وفساداری
طبق مدلول قانون مهاجرت و تابعیت را داده و
قصد خود را مبنی بر اقامت دائم در ایالات متحده
آمریکا اعلام می داریم (تأکید یافته شده است)

من اظهار می کنم که من قطعا "وکلا" تابعیت و
وفاداری به هوشا داده. حکومت یا کشوری که من قبلا
تبعه آن بوده ام، ترک می کنم (تأکید یافته شده است)

Oath of Allegiance for Naturalized Citizens

Oath of Allegiance

The oath of allegiance is:

"I hereby declare, on oath, that I absolutely and entirely renounce and abjure all allegiance and fidelity to any foreign prince, potentate, state, or sovereignty of whom or which I have heretofore been a subject or citizen; that I will support and defend the Constitution and laws of the United States of America against all enemies, foreign and domestic; that I will bear true faith and allegiance to the same; that I will bear arms on behalf of the United States when required by **the** law; that I will perform noncombatant service in the Armed Forces of the United States when required by the law; that I will perform work of national importance under civilian direction when required by the law; and that I take this obligation freely without any mental reservation or purpose of evasion; so help me God." In some cases, USCIS allows the oath to be taken without the clauses:

". . .that I will bear arms on behalf of the United States when required by law; that I will perform noncombatant service in the Armed Forces of the United States when required by law. . ."

فصل نامه دانشکده حقوق

ضمیمه شماره 5.

Forms for Recognition of Foreign Nationality in Relation to
Note to Article 989 of the Civil Code of Iran

فرم شناسائی تابعیت خارجی ، در ارتباط با تبصره ماده ۹۸۹ قانون مدنی

و نمونه موافقت وزارت امور خارجه

فصل نامه دانشکده حقوق

Specimen of Approval by the Ministry of Foreign Affairs

نمونه موافقت وزارت خارجه



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه

بسمه تعالی

سند شناسائی تابعیت خارجی



اداره تابعیت
شماره
تاریخ ۳۳

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مطابق تصدیق الحاقی ماده ۹۸۹ قانون مدنی "کتاب تابعیت" و باستناد
اختیار حاصله از تمبرینامه شماره ۲۵۷۲۲ مورخ ۱۳۴۶/۹/۲۲ هیات وزیران تابعیت ... آمریکا ...

نام خانوادگی فرزند
نام پدر فرزندانش بنام
فرزندانش باسماي
نام پدر نام زوجه ملوم است بر طبق بند ۳ از ماده ۹۸۸ قانون مدنی و تفسیر آن عمل نماید

۱۴/۶۵-۲۸-۲۱

۶۳۰۱۳۹

رونوشت بضمیمه اصل سند عطف بنا به شماره ۵۲۷۲/۱-۲۰۲/س مورخ ۱۳۶۱/۵/۶ بمقتضای اداره گذرنامه
شهری این جمهوری اسلامی ایران به دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن ارسال میگردد
خواهشمند است دستور فرمایند اصل سند را پیش از اتمام و ابطال ۲۵۰ ریال تمبرینا مبرده تسلیم و پس از آن
امور خارجه لجنه الحاقی بفرستد و بنجاه ریال تمبر
رونوشت جهت اطلاع بشهریانی وزارت کشور وزارت کار ثبت احوال ثبت اسناد گذرنامه نخست وزیری ارسا
گردد
سرپرست اداره تابعیت - حسین کاشانی

اقدام کننده: جمیلی
۲۲ بهمن ۱۳۶۵
۲۲ بهمن ۱۳۶۵

۱۳۶۹